

## Research Paper

# Review of the Medical Poems of the Manuscript (Volume One) of "Masnavi Sadriyeh" by Ali Akbar Hamdani



Zahra Rezazadeh<sup>1</sup>, \*Nasrullah Zirak<sup>2</sup>, Zohreh Sarmad<sup>3</sup>, Abolfazl Moradi<sup>4</sup>, Aliakbar Afrasiabpoor<sup>5</sup>

1. Department of Persian language and literature, Faculty of Humanities, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.
2. Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Rasht, Gilan, Iran.
3. Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yadgar Imam Khomeini, Islamic Azad University, Shahr Ray, Iran.
4. Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran. Iran.
5. Department of Persian Language and Literature, Shahid Rajaei Tarbiat University, Tehran, Iran.



**Citation** Rezazadeh Z, Zirak N, Sarmad Z, Moradi A, Afrasiabpoor A. Study of the Medical Poems in the Old Manuscript "Masnavi Sadriyeh" by Ali Akbar Hamdani. *Journal of Guilan University of Medical Sciences*. 2024; 33(3):316-333. <https://doi.org/10.32598/JGUMS.33.3.2116.1>

<https://doi.org/10.32598/JGUMS.33.3.2116.1>

Received: 06 Mar 2023

Accepted: 17 Feb 2024

Available Online: 01 Oct 2024

## ABSTRACT

**Background** There are many ancient Persian works. We need to respect these works and study them to discover the hidden aspects.

**Objective** The present study aims to review the medical poems in the old manuscript "Masnavi Sadriyeh" by Ali Akbar Hamadani.

**Methods** In this review study, a search was first conducted in Google Scholar, Noor Mags, MagIran, Scientific Information Database (SID), Gisoom and ViraScience websites using the related keywords to collect information. Among the found articles, 52 articles were selected and reviewed. Then, the medical poems in the manuscript "Masnavi Sadriyeh" related to their findings were reported.

**Results** Of 2766 verses in the poems, about 79 were related to medicine. Most of them were about the function of body organs such as eyes, eyelashes, teeth, throat, nose, brain, larynx, five senses, liver, lungs, etc.

**Conclusion** The old manuscript Masnavi Sadriyeh favorably reflects the connection between historical, religious, and medical topics

### Keywords:

The history of Iranian medicine, The poems of Sadrieh and medicine, Medicine and religious links

### \* Corresponding Author:

Nasrullah Zirak

Address: Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Rasht, Gilan, Iran.

Tel: +98 (911) 3333442

E-Mail: zohreh-sarmad1@yahoo.com



Copyright © 2024 The Author(s);  
This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (CC-BY-NC; <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode.en>), which permits use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.



## مقاله پژوهشی

### بررسی اشعار طبی نسخه اول «مثنوی صدریه» علی اکبر همدانی

زهرا رضازاده<sup>۱</sup>، \*نصرالله زیرک<sup>۲</sup>، زهره سرماد<sup>۳</sup>، ابوالفضل مرادی<sup>۴</sup>، علی اکبر افراسیاب پور<sup>۵</sup>

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.
۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
۳. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۴. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
۵. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

Use your device to scan and read the article online



**Citation** Rezazadeh Z, Zirak N, Sarmad Z, Moradi A, Afrasiabpoor A. Study of the Medical Poems in the Old Manuscript "Masnavi Sadriyeh" by Ali Akbar Hamdani. *Journal of Guilan University of Medical Sciences*. 2024; 33(3):316-333. <https://doi.org/10.32598/JGUMS.33.3.2116.1>

<https://doi.org/10.32598/JGUMS.33.3.2116.1>

## چکیده

تاریخ دریافت: ۱۵ اسفند ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۸ بهمن ۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۱۰ مهر ۱۴۰۳

**زمینه:** باید بپذیریم که بخش بزرگی از گنجینه‌های (ادبی) ما آریاییان، از دوران پیشین به جا مانده است. ما نه تنها موظفیم این آثار باستانی را ارج نهیم، بلکه باید آن‌ها را عمیقاً بکاوییم و زوایای نهفته را جهت ایجاد انگیزه و هویت‌بخشی به پژوهشگران کشور روشن کنیم.

**هدف:** مطالعه حاضر با هدف بررسی اشعار طبی نسخه خطی «مثنوی صدریه» علی اکبر همدانی انجام شد.

**روش‌ها:** این مطالعه به روش کتابخانه‌ای، با کلیدواژه‌های سابقه پزشکی ایران، اشعار صدریه و پزشکی و پزشکی ایران قدیم، در پایگاه‌های اطلاعاتی گوگل اسکالر، نورمگز، مگیران، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، نور، گیسوم و ویراساینس جمع‌آوری شد. از بین مقاله‌های یافت‌شده ۵۲ مقاله انتخاب و بررسی شدند. سپس اشعار طبی نسخه خطی «مثنوی صدریه» علی اکبر همدانی - که در اشعار خود به موارد طبی و موارد مشابهی که صدریه هم مانند حکمای قدیم به آن اشاره کرده است - شرح داده شده است.

**یافته‌ها:** باتوجه به بررسی اشعار مثنوی صدریه، از ۲۷۶۶ بیت، حدود ۷۹ بیت در مورد طب و پزشکی بوده است. وی در این اشعار به مطالب طبی، به‌ویژه آناتومی بدن انسان و کارکرد اعضا اشاره دارد. کارکرد اعضای بدن، مانند چشم، مژه، دندان، حلق و بینی، دماغ (به معنی مغز) حنجره، قوای پنجگانه، سپرزوش و غیره پرداخته است.

**نتیجه‌گیری:** نسخه خطی مثنوی صدریه علی اکبر همدانی به سبب داشتن ویژگی‌های استثنایی در علوم مختلف، با ساختاری منظوم و با محتوا و محوریت اشعاری عارفانه، تاریخی و سراینده‌ای مسلط بر علوم پزشکی، توانسته بازتاب مطلوبی را از پیوند درون‌مایه‌های تاریخی، دینی و علمی (طب) عصر خود (مشروطه) عرضه کند.

## کلیدواژه‌ها:

سابقه پزشکی ایران، اشعار صدریه و پزشکی، پزشکی ایران قدیم

## \* نویسنده مسئول:

نصرالله زیرک

نشانی: رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده علوم انسانی، گروه زبان و ادبیات فارسی.

تلفن: ۳۳۳۳۴۴۲ (۹۱۱) +۹۸

رایانامه: zohreh-sarmad1@yahoo.com



Copyright © 2024 The Author(s);

This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (CC-BY-NC: <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode.en>), which permits use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.

## مقدمه

(مثنوی صدریه) از نسخ عرفانی است که در قالب مثنوی در همدان تألیف شده است.

## روش‌ها

این مطالعه به روش کتابخانه‌ای، به فارسی و با جست‌وجوی کلیدواژه‌های سابقه پزشکی ایران، اشعار صدریه و پزشکی، پزشکی ایران قدیم در پایگاه‌های اطلاعاتی خارجی، همچون گوگل اسکالر<sup>۱</sup> و پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی، مانند نورمگز<sup>۲</sup>، مگیران<sup>۳</sup>، مرکز پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی<sup>۴</sup>، نور<sup>۵</sup>، گیسوم<sup>۶</sup> و ویراساینس<sup>۷</sup> انجام شد. از بین مقاله‌های یافت‌شده ۵۲ مقاله مرتبط انتخاب و بررسی شدند. سپس اشعار طبی نسخه خطی «مثنوی صدریه» علی‌اکبر همدانی - که در اشعار خود به موارد طبی و موارد مشابهی که صدریه هم مانند حکمای قدیم به آن اشاره کرده است - شرح داده شد.

## یافته‌ها

براساس آموزه‌های اخلاقی در سبک زندگی اسلامی، شناخت (شناخت طبیعت و حفاظت از محیط و حفاظت انسان از خود) در برابر عوامل طبیعی جهان و موجودات آن که در شرایط خاص، می‌تواند منشأ بیماری‌ها باشد و رعایت اصولی و استفاده درست از این نعمات که در قوانین اسلامی از آن تعبیر به شکرگزاری و قدرشناسی از نعمت‌های خدا می‌شود، تأثیر ویژه‌ای در رشد و تکامل معنوی و اجتماعی انسان دارد، و در مقابل آن، ناسپاسی و کفران نعمت (استفاده نادرست از نعمات و عدم درک صحیح از محیط پیرامون) از خصوصیات ناپسندی است که منجر به سقوط و تباهی بشر می‌شود. متأسفانه امروزه با رواج سبک زندگی مادی در بین مردم شکرگزاری کم‌رنگ شده است. از دیدگاه علی‌اکبر همدانی، آیات قرآن کریم، به‌عنوان مهم‌ترین متن دینی مسلمانان، علوم طبیعی (دقت در افاق و انفس، شناخت شگفتی‌های آفرینش خداوند) را یکی از مراتب و راه‌های خودشناسی می‌داند؛ مانند علم فیزیولوژی (فیزیولوژی بدن انسان). این آیات برای اثبات یگانگی خدا، حجیت اسلام و حقانیت پیامبران و ائمه علیهم‌السلام، از این علم استعانت جسته، تا درنهایت راهی به‌سوی فهم عمیق‌تر و درک کامل‌تر نعمت‌های خداوند، گشوده شود. نسخه خطی مثنوی صدریه شامل ۲۷۶۶ بیت که حدود ۷۹ بیت درمورد طب و پزشکی است. اشعار علی‌اکبر همدانی به دلیل ویژگی‌های استثنایی که در علوم مختلف، ساختاری منظم با مضمون و محوریت اشعار

بنای عظیم علم ناگهانی ساخته نشده و رشد نکرده، بلکه پایه‌های اولیه آن را گذشتگان بنا نهاده‌اند و در هر دوره‌ای سنگی بر آن نهاده‌اند تا به شکل امروز درآمده است. اگر بخواهیم اهمیت و ارزش هر علمی را درک کنیم، چاره‌ای جز رجوع به گذشتگان و تطبیق علوم جدید و قدیم نداریم [۱]. از اندک منابع تاریخی و ادبی مانده وطنی، تأثیر آثار بعضی شاعران و ادیبان در ضبط و انتقال علوم مختلف به‌خوبی قابل مشاهده است. شعرای پارسی نه تنها بر علوم ادبی که برخی از آن‌ها در علوم مختلف زمان از قبیل فقه و کلام، عرفان و فلسفه، تاریخ و جغرافیا، طب و نجوم از علما و دانشمندان معاصر خود بوده و با به‌کارگیری علوم مزبور، به آثار خویش، روح و لطافتی خاص بخشیده‌اند. در این میان دانش پزشکی نیز از این امر مستثنی نبوده است. طب و مباحث مربوط به دارو و درمان همواره یکی از دستمایه‌های سخنوران ما بوده و در هر پهنه از آفرینش‌های ادبی و به‌ویژه اشعار شاعران به‌گونه‌ای رخ نموده است. حتی می‌توان با اندکی دقت، تعداد زیادی از پزشکان شاعر و شاعران پزشک را در میان خیل سخن‌سرایان پیدا کرد. اما باین حال شاعرانی را نیز می‌یابیم که با وجودی که خود مستقیماً با طب و طبابت در ارتباط نبوده‌اند، اما واژگان و اصطلاحات پزشکی، مضامینی بسیار ناب را به اشعار آن‌ها هدیه کرده‌اند. بعضی از این ادیبان و حکما در ایران باستان، ایران دوره زردشت، ایران دوره اسلامی و بعد از آن، علاوه بر تبحر در علوم مختلف، جایگاه بالایی در مذهب داشتند. به همین دلیل آموزه‌های مؤثر برای مردم (طب و بهداشت) را در قالب دین عرضه می‌کردند و با اصطلاحات دینی و ادبی (قصه و شعر) سعی در ترغیب مردم به انجام آن امور داشتند. بنابراین با اطمینان می‌توان گفت همه شاعران مطرح و برجسته مانند خاقانی، سعدی، فردوسی و نظامی و غیره در زمینه اطلاعات پزشکی و به‌کارگیری اصطلاحات مربوط به این دانش، همچون سایر زمینه‌های علمی، گوی سبقت را از دیگران ربوده و این اطلاعات و اصطلاحات را با کلام خود مزین و در قالب اشعاری نغز و قابل فهم برای عموم منتشر کردند.

پزشکی و درمان هر دردمند

در تندرستی و راه گزند

به دارو و درمان جهان گشت راست

که بیماری و درد کس را نکاست

(فردوسی)

یکی از این نمونه‌ها، مثنوی علی‌اکبر همدانی صدریه است که در اشعار خود با پند و مدح، تغزل و عرفان معجزه‌گونه‌ای ساخته است و برای اثبات نظرات خود در اعتقاد به صانع، توحید، نبوت و اثبات حجیت (امامت و ولایت) هر زمان، از شگفتی‌های آفرینش (خلقت و آناتومی انسان) استفاده کرده است. این نسخه خطی

1. Google Scholar
2. Noor Mags
3. Magiran
4. SID
5. Noor
6. Gisoom
7. Virascience

در متون کهن آمده است جمشید<sup>۸</sup> نخستین کسی بود که استحمام آب گرم و سرد را مرسوم کرد. در ایران دوره پارت‌ها، نخستین پزشک آریایی تریتا نامیده شد و زادگاهش در نزدیکی خوارزم بود. در وندیداد<sup>۹</sup> آمده است: او از اهورامزدا درمانی برای زهرها درخواست می‌کند و کاردی فلزی (برای اعمال جراحی). اهورامزدا به او هزاران و میلیون‌ها گیاه دارویی می‌بخشد. همان‌گونه که در یسنای ۹، بند ۱۰ آمده است: «سومین ناموری که گیاه هئوما (هوما) را فشرد و عصاره آن را مهیا ساخت، تریتایا ثریته از خاندان سام بود.»<sup>۱۰</sup>

#### ایما یا یمه (جمشید)

از پزشکان باستانی که مکانی به اسم وریماکرت را در ایران ویژ ساخته است و به نظر می‌رسد که شخصیتش منطبق بر جمشید پادشاه اساطیری شاهنامه باشد [۲]. او توانسته است بیماران مبتلا به امراض پوستی و استخوانی و دندان‌ها را از افراد سالم جدا کند [۳]. شاهنامه هم به تبر جمشید در پزشکی اشاره دارد:

دگر بویی‌های خوش آورد باز

که دارند مردم به بویش نیاز

چو بان و چو کافور و چون مشک ناب

چو عود و چو عنبر چو روشن گلاب

پزشکی و درمان هر دو دردمند

در تندرستی و راه گزند

(فردوسی)

#### تراتائونا

تراتائونا از پزشکان باستانی ایران، احتمالاً همان فریدون شاهنامه است [۴]. او ستاره‌شناس و سازنده هوم و تریاق بوده [۳] و مانند تریتا به دنبال درمان خارش، تب و ضعف بوده است [۴].

#### زرتشت

پیامبر باستانی ایران و پایه‌گذار مذهب زرتشتی است. اگرچه وی پزشک نبوده، اما در کتب دینی زرتشتیان به درمان اسب کی و یشتاسب توسط او اشاره شده است. آموزه‌های او حول محور بهداشت بسیار حائز اهمیت بوده و بیشتر بر پایه پیشگیری از بیماری است تا درمان.

عرفانی، تاریخی و علوم پزشکی دارد، توانسته است در پیوند بین مضامین تاریخی و دینی تأمل مطلوبی داشته باشد و علم (طب) عصر خود (مشروطه) را به‌خوبی ارائه دهد. وی در این اشعار به مطالب طبی، به‌ویژه کالبدشناسی (آناتومی بدن) انسان و کارکرد اعضای بدن، مانند چشم، مژه، دندان، حلق و بینی، مغز، حنجره، تخیل، و هم، قوای پنج‌گانه، جگر، شش، معده و غیره اشاره دارد.

#### بحث

متون فرهنگ ایران اسلامی و اشعار و داستان‌های شعری ژرفاندیش پارسی، ثروت عظیم و سرشار علمی و فرهنگی است که به ما به ارث رسیده و می‌تواند پشتوانه بزرگی برای ترقی و پیشرفت علمی ما باشد. پژوهش در این گنجینه‌ها، ما را در برابر از خودبیگانگی تاریخی و فرهنگی که حاصل استعمار غرب است، مصون داشته و می‌تواند بار دیگر انگیزه‌ای باشد برای پایه‌ریزی بنیاد تمدنی که ایرانیان هزار سال پیش از این داشته‌اند و آوای آن هنوز از ورای تاریخ، در تمامی علوم طنین‌انداز است. آنچه در این مقاله گذشت، قطره‌ای است از دریای بیکران طب ایرانی اسلامی که در اشعار بزرگان شعر و ادب پارسی، انعکاس یافته است. نسخه خطی مثنوی صدریه علی‌اکبر همدانی نیز با ساختاری منظوم و با محتوا و محوریت اشعار عارفانه، تاریخی و در حوزه علوم پزشکی، برای پرورش معانی تربیتی و اخلاقی خود، بیشتر از آموزه‌های دانش علم تشریح، که مقدمه طب است، بهره برده است:

نفس خود بنگر ببین خود چیستی

از کجایی و ز چه هستی کیستی

ظاهر خود بنگر و اعضای خود

هیکل نفسانی و کالای خود

بنگر اندر چشم و گوش و مردمک

فکر کن در صنع آنها یک به یک

هم نظر کن تو به اعصاب و عروق

اتصالاتی که دارند و فروق

همان‌طور که می‌دانیم دانش پزشکی ایران پیش از اینکه زرتشت پا به عرصه وجود بگذارد، قرن‌ها یا هزاران سال بوده که در ایران‌زمین رواج داشته است. اوستا (دکترآورمر) اشاره‌های بسیاری به دانش پزشکی و پزشکان ایرانی دارد. همچنین در دیگر کتاب‌های پهلوی و پارسی به این اشاره‌ها برمی‌خوریم، مانند شاهنامه و بندهش.

۸. جمشید، (چهارمین پادشاه پیشدادی) پادشا کیانیان فرزند طهمورث است، از فره ایزدی و مقام موبدی نیز برخوردار بوده است. در دوره پادشاهی او ۷۰۰ سال نه گیاهی خشکید و نه جاننداری بیمار شد.

۹. فرگرد ۲۰، بندهای ۱ تا ۱۷.

۱۰. همان که دارای دو پور دلیر، یکی ارواخشیه و دیگری گرشاسب شد.

## جاماسب

پزشک و دانشمند ایرانی از بزرگان دربار کی ویشناسب، از اولین یاران زرتشت و همچنین داماد زرتشت بوده است.

## سناپور اهوم ستوت

پایه‌گذار مکتب پزشکی اکباتان و از شاگردان زرتشت پیامبر بوده است. پلو تارک در کتاب خود آورده، در سده اکباتان، حکمت، نجوم، طب و جغرافیا تعلیم داده می‌شده و ۱۰۰ دانشجو در آن مشغول به تحصیل بودند [۵].

پزشکان در دوران باستان ۳ دسته اصلی داشتند: مانتره پزشک (روان‌پزشک) یا همان دسته اول، روحانی بودند و از اهمیت بیشتری برخوردار بودند. دسته دوم نیز که آتراوان (پاسداران آتش) نامیده می‌شدند، خود به دو گروه تقسیم می‌شدند: درست پات (اشو پزشک) که مسئول حفظ بهداشت و جلوگیری از شیوع بیماری‌ها بودند<sup>۱۱</sup> و تن بشزک (شفادهنده تن) که درمانگر و بهبوددهنده بیماری‌ها بوده‌اند. دسته سوم گیاه‌پزشک (اورو پزشک) بودند. پیشینه گیاه‌پزشکی با آغاز پیدایش کشاورزی و گیاه‌پروری در ایران همراه است. این علم در روزگارهای کهن از ایران به دیگر کشورها راه یافت، از جمله هند، چین، میان‌رودان، مصر و غیره. گیاه‌هوم<sup>۱۲</sup> و انواع دیگر گیاهان، مانند برسم کندر، اسپند، عصاره نعنای، بیدمشک و غیره در پزشکی و درمان بیماران مورد استفاده قرار گرفته و می‌گیرد. دسته دیگری از پزشکان ستور پزشک که همان دامپزشک بودند [۳]. در وندیداد فرگرد هفتم بند ۳۹ درمورد کارد پزشکی چنین آمده: کسی که می‌خواهد کارد پزشک شود سه دوبرست<sup>۱۳</sup> را جراحی کند و بیمار خوب شود پس در امتحان موفق شده است و همیشه می‌تواند کارد پزشکی کند.

در قدیم به جای داروی بیهوشی، بنگ را که ماده‌ای سکرآور است، از شاهانه می‌گرفتند و با می مخلوط می‌کردند و به کار می‌بردند. در شاهنامه فردوسی از این دارو فقط با نام داروی بیهوشی یاد شده است:

بفرمود تا داروی هوش بر

برآمیخت در جام می چاره گر

بدادند و چون خورد بیهوش گشت

تو گفستی که بیجان و بی توش گشت

۱۱. علت بیماری را برطرف می‌کردند، مانند سازمان بهداری و بهزیستی

۱۲. هوم سفید، گاو شاخ و کونکار، معادل‌های دیگری هستند که برای این درخت افسانه‌ای تصور شده است و جملگی جنبه درمانی داشته‌اند.

۱۳. دوبرست به معنی دیوپرستان (کسانی که دین زرتشت را قبول ندارند). «پزشک‌خوب باید مطالعه کند و ابزار و وسایل را بشناسد و اگر از دارو و گیاه برای بیماری نتیجه نگرفت می‌تواند برای قطع مفاصل و استخوان از کارد درمان جوید».

درباره کارد پزشکی که یک عمل رستمینه (سزارین) زایمان را در ایران باستان نشان می‌دهد در شاهنامه آمده:

پیامد یکی موبد چیره‌دست

همان ماهرخ را به می کرد مست

شکافید بی‌رنج پهلوی ماه

بتابید مر بچه را سر به راه

چنان بی گزندش برون آورد

که کس در جهان این شگفتی ندید<sup>۱۴</sup>

از اسناد قابل‌ذکر درمورد دانش کارد پزشکی ایران باستان، مجموعه‌های کشف‌شده شهر سوخته در استان سیستان است که بروی آنها عمل جراحی انجام گرفته بود (تصویر شماره ۱).

## دوران فرمان‌روایی حمورابی

در دوره‌های پس از زرتشت دانش پزشکی همچنان نزد ایرانیان رو به رشد و نمو بود. عمده کار پزشکی و دانش پزشکی نزد موبدان و مغان<sup>۱۵</sup> ایرانی بود. متأسفانه در یورش بی‌رحمانه اسکندر، اعراب، تاتارها و افغان‌ها بسیاری از نوشته‌ها و کتاب‌های ارزشمند دانشمندان ایرانی را از بین رفته و کتاب‌های پزشکی نیز از این قانون مستثنی نبوده است.

جرجی زیدان در کتاب «تاریخ تمدن»، پزشکی را یکی از علوم می‌داند که کاهنان اکدی و بابل در حدود ۲۳۱۱ پیش از میلاد مسیح اساس آن را وضع کردند. در حدود ۲۱۲۳ پیش از میلاد، اولین لوح قانون جهان توسط حمورابی نگارش شد که در

۱۴. (شاهنامه، ص ۲۳۸). پزشکی که جراحی زایمان را بدین‌گونه بر روی مادر رستم، رودابه انجام می‌دهد، سیمرغ در شاهنامه (سنا در اوستا) یکی از پزشکان ایران باستان است. سیمرغ که نام وی سنا است یکی از پزشکان و مغان است وی در کوه (ظاهراً دماوند) می‌زیسته و شاگردانش نیز در آنجا (دماوند) برای فراگیری دانش می‌رفته‌اند و او را سنا مرغ نامیدند. به دلیل جایگاه بلندش (بر روی کوه). زال پسر سام که پدرش او را از کودکی به نزد سنا می‌سپارد تا آموزش‌های موردنیاز را بیاموزد و از شاگردان مورد توجه سنا می‌شود. زال در برخی رفتاری‌های خود از او کمک می‌گرفته است. زایمان همسرش رودابه در هنگام زایش رستم نیز به دست سنا انجام می‌شود.

۱۵. حق ویزیت در ایران باستان: دستمزد پزشک دقیقاً تناسب با مقام بیمار داشت و موبدان، تنها با دعا و دادن برکت، به پزشک دستمزد می‌دادند! رثس خانواده یا قبيله يه يا فرمانده استان به ترتیب یک خر، یک اسب، یک شتر و یا چهار اسب به‌عنوان دستمزد به پزشک می‌پرداختند. بیماران زن، به پزشک چهارپای ماده به‌عنوان دستمزد می‌پرداختند. اخلاق پزشکی در ایران باستان: در کتاب «قوم‌های کهن...» شرایط یک پزشک کامل در ایران باستان، این‌طور نقل شده است: «باید اندام‌های بدن و مفاصل و درمان بیماری‌های آن‌ها را بداند. باید ارايه شخصی و دستیار داشته باشد و باید مهربان باشد و حسود نباشد. آرام سخن بگوید و هیچ‌گونه غروری نداشته باشد. دشمن بیماری، ولی دوست بیمار باشد. حجت و حیا را رعایت کند و به دور از جنایت، آسیب‌رسانی و زورگویی باشد. شتابان به کار بپردازد و یار بیمه‌زنان باشد. رفتاری نجیبانه داشته باشد. پاسدار شهرت خوب باشد. به‌خاطر سود کار نکند، بلکه پاداشی معنوی را در نظر داشته باشد. در دادن گیاهان درمان‌بخش مهارت نشان دهد تا جسم را از بیماری برهاند و فساد و ناپاکی را دور کند. آرامش بیشتری ببخشد و لذایذ حیات را افزون سازد.



تصویر ۱. جراحی جمجمه

مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان



تصویر ۲. لوح حمورابی<sup>۱۶</sup>

مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان



تصویر ۳. متن قانون حمورابی<sup>۱۷</sup>

مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان

آن قوانین پزشکی نیز بود (تصویر شماره ۲ و ۳). نسخه‌ای کامل از این قوانین اوایل قرن بیستم در حفاری‌های باستان‌شناسی شوش پیدا شد و اکنون در موزه فرانسه است.<sup>[۱۷]</sup>

در این میان بابلی‌ها که از اقوام سامی بودند، نخستین مردمی بودند که درباره معالجه بیماری‌ها مطالعه کردند و معمولاً چنان بود که بیماران را در سر راه‌ها و گذرها می‌گذارند تا مگر رهگذری از آنجا بگذرد و هرکس به آن بیماری دچار گشته و درمان آن را پیدا کرده اطلاعات خود را بازگوید. سپس آن اطلاعات را روی لوح‌هایی نگاشته، در معبد‌ها می‌آویختند و از آن‌رو کاهنان کلدانی کار پزشکی را تا حدودی می‌دانستند [۶]. در آثار باستانی، از مصری‌ها و عرب‌ها نیز طلسم‌ها و اوراد (جمع ورد به معنی دعاها) بسیاری دیده شده که برای معالجه بیماری‌های گوناگون به کار می‌رفته است و برای بیرون کردن ارواح خبیث به کار می‌بردند و امراضی که به گمان آنان از حلول ارواح خبیث حاصل شده بود، با اخراج آن‌ها شفا می‌یافت. اما در دارو دادن، عرب‌ها شبیه به معالجه مصریان و سایر ملل قدیم، از گیاه‌ها و شریته‌ها استفاده می‌کردند و به‌خصوص عسل را برای معالجه بیماری‌ها خیلی سودمند می‌دانستند. باین حال بیشتر معالجات آنان براساس خون گرفتن و داغ کردن بوده است. [۶]

#### طب و پزشکان ایران در دوره‌های بعد (از هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان تا اسلام)

##### دوره هخامنشیان

ایران در عصر هخامنشیان در علوم، فرهنگ و تمدن مشهور و معروف بود. وقتی که اسکندر مقدونی به شهر استخر دست یافت دستور داد بناها را خراب و کتاب‌ها را به زبان یونانی و سبطی استنساخ کنند و نسخه‌های ایرانی را بسوزانند [۷]. بیشتر کتب درزمینه نجوم و طب ایران بود. در این دوران ارتباط فرهنگی میان ایران و یونان و ایران و اقوام و ملل‌های همسایه گسترش یافت. عده‌ای از پزشکان یونان در دربار این شاهان به طبابت اشتغال داشتند. پزشک و ادیب یونانی، کتزیاس پزشک کورش هخامنشی است. گزننف [۸] از او نام برده است. هرودت [۹] نیز داستان‌هایی درباره دِموسید پزشک یونانی ساکن ایران، نقل کرده است.

##### دوره اشکانیان

از وضع پزشکی ایران در دوره اشکانیان نیز آگاهی اندکی

۱۶. ارتفاع لوح قانون حمورابی ۲۲۵ و عرض آن ۶۵ سانتی‌متر است که در سال ۱۹۰۱ میلادی توسط ژاک دو مورگان فرانسوی در تپه شوش از خاک بیرون آورده شد.

۱۷. قوانین حمورابی در ۴۹ ستون به خط میخی بر سنگ بازالیت حک شده است، پایه قوانین حمورابی، متکی بر مذهب و خواست پادشاه و امیال و خواسته‌های نفسانی این و آن نیست، بلکه بر مبنای رعایت عرف و عادت و سنن جاری و رعایت منافع اجتماع تدوین و مقرر شده است.

در دست است. می‌دانیم که در این دوره برخی آثار یونانی به زبان‌های ایرانی ترجمه شد، و شاید بتوان این دوره را مهم‌ترین زمان آشنایی ایرانیان با کتاب‌های پزشکی یونانی دانست. آزونکس یکی از دانشمندان ایران در دوره اشکانیان و متبحر در علوم طب و شعبه بوده است [۳].

##### دوره ساسانیان

پزشکی در دوره ساسانیان بیشتر مبتنی بر سنت اوستایی بوده، اما نفوذ طب یونانی در آن کاملاً مشهود است. بنابر روایت مؤلفان و تاریخ‌نویسان ایرانی و خارجی، شاهنشاهان ساسانی علاقه فراوانی به ترویج فرهنگ و علوم مختلف، مخصوصاً پزشکی و فلسفه داشتند. بیمارستان مرو از بیمارستان‌هایی بوده است که در روزگار ساسانیان برپا بوده است. چنان‌که عیسی‌بن‌ماسویه، پزشک بزرگ قرن دوم هجری، می‌آورد که «در بیمارستان مرو برای خارج کردن سودا از بدن بیمار، حرم (اسفند) استفاده می‌کردیم». بزرگمهر حکیم، وزیر و مشاور خسرو انوشیروان ساسانی (۵۲۹ م) است و در آثار و پندهای به‌جامانده از وی می‌توان دریافت آثار وی مملو از راه‌کارهای بهداشتی و تغذیه‌ای است [۱۰]. مانی، پزشک، نقاش و پیامبر ایرانی، در سال ۲۱۶ میلادی در روستای مردینو بابل به دنیا آمد. ۱۸ مانی ۷ کتاب اغلب به زبان سریانی<sup>۱۹</sup> نوشت.

روزبه (ابن مقفع) یا همان روزبه پوردادویه، دانشمند شهیر قرن دوم هجری<sup>۲۰</sup>، نویسنده و مترجم ایرانی آثار پارسیگ به عربی، ساکن فارس، اهواز و بصره بود. او همچنین از بزرگ‌ترین راهبران نهضت ترجمه در سده‌های نخستین اسلامی است. فردوسی در شرح پادشاهی انوشیروان، به رفتن «روزبه» پزشک همراه یک گروه پزشکی به کشور هندوستان، آن هم برای به دست آوردن گیاهان طبی اشاره می‌کند:

چو «برزوی» بنهاد سر سوی کوه

برفتند با او پزشکان گروه

برفتند هرکس که دانا بودند

به کار پزشکی توانا بودند

گیاهان ز خشک و ز تر برگزید

ز پژمرده و هرچه رخشنده بید

۱۸. پدرش پاتیک یک شاهزاده اشکانی بود و مادرش (مریم) به خاندان کمسرکن تعلق داشت که از خاندان‌های متنفذ اشکانی بودند و مورخان احتمال می‌دهند بهبودی یا مسیحی بوده باشد. مشهور است که وی افلیج به دنیا آمد و بیزاری‌اش از این دنیا نیز از همین مسئله ناشی می‌شود. مانی گندسیست بوده، یعنی اعتقاد به ۲ خدای خیر و شر در جهان و معرفت پنهان که از طرف خداوند به او الهام شده داشته است. عقاید او ملغمه‌ای بود از مسیحیت، گندسیست و آیین مزدایی.

۱۹. یعنی زبان مقدس بین‌النهرین  
۲۰. زاده ۱۰۴ در فیروزآباد فارس، درگذشته ۱۴۲ هجری قمری / ۷۶۰ میلادی در بغداد.

### طب یونانی

طب یونانی در نیمه اول قرن هشتم (۷۵۰ م) به کشورهای اسلامی وارد شد و پس از آن دانشمندان و پزشکان اسلامی با ترجمه متون و کتب پزشکی از یونانی، سریانی، مصری، ایرانی، هندی و غیره به زبان عربی و همچنین تألیفات خود در زمینه پزشکی، طب اسلامی را پایه‌گذاری کردند و باعث احیا و شکوفایی پزشکی اروپا در قرون وسطی شدند. دوران تولد طب اسلامی و سپس انتقال آن به اروپا از طریق ترجمه کتب پزشکی به زبان لاتین (سال‌های ۷۵۰ تا ۹۰۰ م) را عصر طلایی طب اسلامی می‌نامند. در این دوران مشعل علوم، به‌ویژه علم پزشکی در دست مسلمانان بوده است. نفوذ طب اسلامی با وجود ابن‌سینا، در مغرب زمین و کشورهای غربی رواج بسیار زیاد یافت، به‌طوری‌که کتاب قانون ابن‌سینا تا اواخر قرن ۱۷ میلادی، از متون تدریس طب در دانشگاه‌های اروپایی بود.

### سقراط

تولد سقراط، ۴۵۰ پیش از میلاد در آتن یونان و مرگ او در سال ۳۹۹ قبل از میلاد بود. از شاگردان سقراط، افلاطون است که هم‌عصر بقراط بوده است و دیگری گزنفون، تاریخ‌نگار شهیر یونانی است.

### بقراط

بقراط هم‌عصر افلاطون و شاگرد اسقلیبوس بود. مجموعه آثار بقراط ۶۰ تا ۷۰ متن پزشکی است. بقراط را می‌شود اولین پزشکی نامید که دلیل بیماری را در خود فرد بیمار جست‌وجو کرد. وی برخلاف سنت معمول در آن دوران علت‌ها و معلول‌ها را در طبیعت جست‌وجو می‌کرد.<sup>۲۳</sup>

### جالینوس

پس از سقراط، جالینوس (سال ۱۲۹ تا ۱۹۹ م) مدرسه جدیدی برای تشریح بنا کرد و آثارش برای مدت بیش ۱۰۰۰ سال، اساس عقاید طبیعی‌دانان قرار گرفت. طب مزاجی درواقع، اساس روش درمانی بقراط و جالینوس بود. نجم‌آبادی در کتاب تاریخ طب در ایران، ضمن اشاره به این مطلب می‌نویسد: «مکتب طبی زرتشت خیلی پیش‌تر از مکاتب طبی یونان، در عالم وجود داشته است». آقای سیریل الگود، نویسنده کتاب تاریخ پزشکی ایران، در صفحه ۳۶ این کتاب عنوان کرده است: «تا آنجا که از اطلاعات به‌دست‌آمده معلوم می‌شود، در ایران قدیم وضعیت طب پیشرفته‌تر از آشور بود. حتی به‌جرت می‌توان گفت که ایرانیان اصول آن چیزی را که طب یونانی نامیده شده به یونانیان آموزش

۲۳. بقراط: بین سال‌های ۴۶۰-۳۷۷ قبل از میلاد می‌زیست. در جزیره خیوس متولد شد. بقراط متون پزشکی‌اش را اواخر قرن ۵ و اوایل قرن چهار قبل از میلاد نوشته است.

برزویه طبیب نیز رئیس طبای شاهی در دوران خسرو انوشیروان ساسانی و عضو انجمن عمومی پزشکان بود.<sup>۲۱</sup> [۵].

وی کتاب کلیله و دمنه را در سفری تحقیقاتی به هند، به ایران آورده و به زبان پهلوی ساسانی ترجمه کرده است. در دوره ساسانیان دانشمندان دیگر کشورها هم در دانشگاه جندی‌شاپور برای فراگیری دانش‌های گوناگون، از جمله پزشکی مشغول درس خواندن بوده‌اند، مانند فهلمان یا بهلمان و دیورن.<sup>۲۲</sup>

### پزشکان و علم پزشکی در جندی‌شاپور

فرهنگستان جندی‌شاپور در سال ۲۷۱ میلادی در خوزستان به‌عنوان نخستین بیمارستان آموزشی جهان بنیاد نهاده شد. این فرهنگستان دارای یک بیمارستان آموزشی و یک کتابخانه بود. در این فرهنگستان دانش‌های فلسفی و پزشکی تدریس می‌شد. جندی‌شاپور نقشی مهم در تاریخ طب ایران داشته است. گفته می‌شود که تأسیس اولیه این شهر به دوران پیشاتاریخ و زمان ورود قوم آریایی‌ها برمی‌گردد و بعدها به دستور شاپور (شاپور اول و دوم و پس از آن انوشیروان) تجدید بنا شده است. هدف اولیه وی از ایجاد فرهنگستان، محلی برای استقرار اسیران رومی و یونانی و استفاده از تخصص‌های آنان بود [۱۱]. معروف است که اردشیر عده‌ای را جهت گردآوری کتاب‌های علوم گوناگون به سرزمین‌های مختلف فرستاد. پسرش شاپور یکم نیز کار پدر را پی گرفت [۷] و فرمان داد تا این کتاب‌ها را به زبان فارسی میانه ترجمه کنند و حتی گروهی از پزشکان یونانی را برای تدریس پزشکی به ایران فراخواند. این پادشاه مقتدر پس از چیرگی بر لشکر روم و اسارت والرین، امپراتور روم و عده بسیاری از رومیان، به آبادی کشور و ساختن شهرها و نشر علوم و آداب همت گماشت [۱۲]. قسمت عمده اوستا که بیشتر شامل بخش‌های علمی آن بود با حمله اسکندر و پس از آن بر اثر کم‌توجهی پارتیان، پراکنده شد. کریستین سن، تاریخ‌نگار مشهور تاریخ ساسانیان، در این‌باره می‌گوید:

«کتاب‌های مذهبی اوستایی در اثر بقای کیش زرتشتی در دوران تاریک غلبه اسکندر و سال‌های بعد از آن، همچنان محفوظ مانده بود، ولی آثار اوستایی در زمینه‌های غیردینی مانند، طب، نجوم، جغرافیا و فنون به‌طور عمده به هندوستان، یونان و کشورهای دیگر پراکنده شده بود. اکنون جمع‌آوری مجدد این آثار، وجهه همت شاپور قرار گرفت.» [۱۱]

۲۱. محل آن جندی‌شاپور بود، که به دستور خسرو انوشیروان به‌منظور بحث و مطالعه درباره امور پزشکی تشکیل شده بود. در بعضی از اسناد ریاست انجمن با یرجیس راس‌العینی بوده در مقام درست‌پد (رئیس پزشکان) و برزویه طبیب و طبیبی دیگر به نام بیادق را عضو آن انجمن دانستند.

۲۲. بنا به روایات حبس و مرگ مانی پیغمبر نیز در جندی‌شاپور روی داده است. جندی‌شاپور یکی از هفت شهر اصلی خوزستان بود. نام آن در آغاز «گوند - دزی - شاپور» به معنی «دژ نظامی شاپور» بوده است. به فرمان خسرو بود که برزویه، پزشک بزرگ ایرانی، مأمور مسافرت به هندوستان شد تا به گردآوری بهترین‌های دانش هندی بپردازد. امروزه شهرت برزویه در ترجمه‌ای است که از کتاب پنجه‌تنتره هندی به پارسی میانه انجام داد که امروزه به نام کلیله و دمنه معروف است.

## پزشکی و پزشکان (پس از اسلام)

قرن اول تا ۱۲ ه. ق: تاریخ این دوران که مصادف بوده با دوران جاهلیت و سپس ظهور نبوت حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) وجانشینان ایشان، بیشتر با کشورگشایی اعراب هم‌زمان بوده است و کمتر به موضوع دانش پزشکی پرداخته شده است. در این دوران دستورات طبی که بیشتر جنبه پیشگیری‌کننده داشته‌اند، در اختیار پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین قرار داشت (طب ائمه).

باید از نامی‌ترین پزشک عرب دوران جاهلیت، یعنی لقمان حکیم نام برد که هم پزشک و هم فیلسوفی عرب بوده است. پس از لقمان مشهورترین پزشک عرب ابن‌حزیم یا ابن‌حذیم بود، که مهارت او در پزشکی میان عرب‌ها ضرب‌المثل است (عبدالحلیم، ۱۳۳۱ ه. ق). اوس بن حجر شاعر، وی را پزشک می‌نامد.<sup>۲۴</sup> یکی از دوره‌های پرباهام تاریخ علم در سرزمین‌های اسلامی، آغاز حاکمیت مسلمانان است، چراکه جنگ و آشوبی که در سراسر دوران حاکمیت سه خلیفه اول و امویان بر جهان اسلام بود، دیگر میدانی برای دانش‌پروری و علم‌اندوزی باقی نمی‌گذاشت.<sup>۲۵</sup> یکی دیگر از پزشکان عرب ابن‌ابی رمله تمیمی است [۱۳]. وی از پیامبر خواسته بود که سلعه دوش (دمل) آن حضرت را با جراحی بیرون آورد [۱۴]. او قدیم‌ترین پزشک مسلمانی است که می‌شناسیم [۱۵]. زهیر بن جناب نیز از طبیبان و شعرای قوم خویش واز رؤسای عشیره‌های قبایل بوده است. از دیگر پزشکان آن دوران عربستان می‌توان به وئمه از قبیله اُتمار و عبادیون اشاره کرد. [۱۶]. ثادون و بیاذق نیز هر دو به خدمت حجاج مشغول بودند. ثادون تألیفی به نام «کناش کبیر» برای فرزندش نگاشته، که در تاریخ پزشکی اسلامی معروف است.

## نهیض ترجمه

شکی نیست که در هجوم تازیان، بسیاری از کتاب‌ها و کتابخانه‌های ایران آسیب دیده است. این دعوی را از تاریخ‌ها

۲۴. جز «حارث بن کلد» و نیز «ابن حذیم» یا «ابن حزیم»، کسی دیگر را نمی‌توان یافت که ما را بر آن وادارد که آنان را دارای سهمی در پیشرفت این دانش بدانیم. «حارث بن کلد» هم که بهره‌ای از شهرت برده بود، اگر پزشکی را نزد پارسیان و جندی‌شاپوریان نمی‌آموخت، از این شهرت نیز بی‌نصیب می‌ماند (عاملی، ۱۴۱۲ ق؛ گلشنی، ۱۳۳۱ ش؛ قطب الدین شیرازی، ۱۳۳۲ ش).

۲۵. بنی امیه فتوحات مسلمانان را ادامه دادند و فرارود، سند، مغرب عربی و اندلس (شبه‌جزیره ایبری) را به خلافت مسلمین افزودند. سرزمین شام (سوریه و اردن امروزی) مرکز اصلی خلافت امویان و شهر دمشق پایتخت امویان بود. امپراتوری بنی امیه ۱۱۱۰۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت داشت (صحیح بخاری). این پهنه کشورداری خلافت بنی امیه را در زمره یکی از پهناورترین امپراتوری‌ها قرار داده است. خلافت بنی‌امیه در سال ۷۵۰ میلادی توسط خلافت عباسی سرنگون شد. پس از واژگونی خلافت اموی، بازماندگان خلافت اموی در کوردوبا (قرطبه) در آغاز امارت قرطبه و بعدها خلافت قرطبه را بنیان نهادند. در دوره این خلافت (قرطبه)، سرزمین قرطبه به یک مرکز علمی، فلسفی و پزشکی در جهان تبدیل شد که نهایتاً به دوران طلایی اسلام انجامید. سرزمین‌های تحت حکومت بنی امیه حدود ۶۹ میلیون نفر جمعیت را در خود جای داده بودند که حدود ۳۰ درصد جمعیت جهان در آن دوران محسوب می‌شد.

داده‌اند؛ حتی خود یونانی‌ها هم فرضیه طبایع چهارگانه خود را یک فرضیه بیگانه می‌شناختند و به رسم آن زمان، آن را ایرانی می‌پنداشتند. [۶].

درواقع در مدرسه جندی‌شاپور با ترجمه آثار مهم نویسندگان یونانی، به کمک دانشمندان ایرانی طب یونان دوباره شکوفا شد. بعد از اسلام نیز با شکوفایی ترجمه کتب طبی یونان، دانشمندان مسلمان بزرگی، از جمله محمد بن زکریای رازی و ابن‌سینا ظهور کردند. پیشرفت‌های علمی سریع مسلمانان موجب شگفتی جهانیان شده بود، طوری که هرکس به دنبال علم بود پا به این سرزمین می‌گذاشت، اما در اروپا شرایط متفاوت بود. در آن زمان در اروپا بیمارستان‌های کمی وجود داشت و شیوه درمانی علمی چندان مرسوم نبود. درحالی‌که در جوامع مسلمانان بیمارستان‌هایی مجهز به بخش‌های مختلف با تخصص‌های گوناگون وجود داشت.

در دوران پیش از رنسانس که اروپا تحت فرمان کلیسا اداره می‌شد اروپاییان کاری نمی‌کردند، مگر با انگیزه‌های دینی و خرافات برگرفته از دین مسیحیت؛ طوری که در درمان بیماری‌ها نیز به عادرمانی می‌پرداختند. با فتح شهرهای مسلمانان توسط مسیحیان، آثار علم و فناوری و تمدن مسلمانان در این شهرها موجب تعجب اروپاییان شد که از جمله این شهرها بیت‌المقدس بود. این مسائل، موجب زمینه‌سازی انقلاب رنسانس در اروپا شد. در دوران رنسانس، کتاب‌های دانشمندان مسلمان به زبان‌های اروپایی ترجمه شدند و این روند باعث پیشرفت اروپایی‌ها شد. گفته می‌شود در زمینه طب، پس از انجیل کتاب قانون ابن‌سینا متداول‌ترین کتاب در اروپا شد و برای مدت‌ها در اروپا تدریس می‌شد.

## طب شیمیایی در مقابل طب مزاجی

پس از رنسانس، اروپایی‌ها به دنبال این بودند که خود را از شرمندگی تقلید دانش از مسلمانان خارج کنند، پس تلاش‌های بسیاری انجام دادند. برخی از آنان براندازی سنت‌های عربی را پیشه خود کردند. گفته می‌شود که شخصی به نام پاراسلسوس (۱۴۹۳-۱۵۴۱ میلادی) که کیمیاگری از سرزمین سوئیس بود، شروع به تدریس پزشکی در «دانشگاه بال» سوئیس کرد و در روز شروع استادی خود، کتاب «قانون» را در آتش سوزاند و این گونه فریاد کشید: «با کمال بی‌باکی به شما می‌گویم که موهای پشت گردن من، بیش از همه دانشمندان شما معلومات دارد. تکمه‌ای در کفش من از ابن‌سینا خردمندتر است و ریش من از آکادمی شما تجربه بیشتری دارد و سپس رو به پزشکان حاضر در جلسه کرد و گفت: کلید اصلی پزشکی و به‌ویژه درمان‌شناسی، قبل از هر چیز در شیمی است»؛ این خودباوری او توسط طبیبان اروپایی تأیید شد و به این ترتیب، مسیر طب تغییر یافت و از داروهای طبیعی به سمت داروهای شیمیایی انتقال یافت.

خود را مطرح کنند. مانند سنایی در حدیقه، به نام ۵۰ بیماری اشاره می‌کند:

حال نسیان و حلق و استرخا

فالج و لقوه و فساد و وبا

حال سرسام و علت برسام

نزله، خانوق بالمعان و زکام

گاهی نیز برای سهولت در امر حفظ و یادگیری، مطالب خود را در قالب شعر می‌ساختند، مانند حکیم میسری طبیب قرن چهارم و زمانی اصطلاحات طبی در شعر، صرفاً به‌عنوان واقعیت علمی مورد توجه قرار گرفته است:

هر که را درد سر است از دست قیفالش زنند

که تو را درد در دل است از دیدگان قیفال کنند<sup>۲۶</sup>

شاعران این دوره اطلاعات علمی رایج در آن زمان، از قبیل نجوم، کلام، عرفان، موسیقی، طب و به‌ویژه گیاهان دارویی را در قالب تشبیه و استعاره‌های دیرپای وارد شعر کرده‌اند، به نوعی که بدون آشنایی با این علوم نمی‌توان مفهوم شعر را درک کرد<sup>۲۷</sup> و جای شگفتی نیست که جلوه‌هایی از آن در گسترده‌ترین و درخشان‌ترین آینه فرهنگی ایران زمین، یعنی شعر و ادبیات آشکار شده باشد. علی‌اکبر صدریه نیز از شاعران دوره مشروطیت (سبک بازگشت) بوده و در اشعار خود با پند و مدح، تغزل و عرفان معجزه‌گونه‌ای ساخته است. او با تسلط بر علوم مختلف، مانند فقه، حدیث، تفسیر، فلسفه، کلام، نجوم، تاریخ، ریاضی، ادبیات و طب کوشیده، تا در اشعار خود با تکیه بر اطلاعات طبی، بازتاب گسترده‌ای در شعر دوره خود، به وجود بیاورد.<sup>۲۸</sup> مؤلف، پس از ابیاتی که در ستایش خدا و توصیف او می‌سراید، به مباحث این اثر که بیش از ۵۰ عنوان، مانند قلم و ماهیت آن، در معرفی نفس و تذکر در نطق و تدبیر در آیات آفاق و آنفس، و هم، برهان عقلی و بیان مقلی، اسامی پیامبران از آدم تا خاتم و غیره است، می‌پردازد.

۲۶. در قدیم یکی از روش‌های درمانی بیماری‌ها مربوط به سر و اندام‌های فوقانی بدن، رگ زدن بوده و قیفال نام رگی در دست بوده است. البته شاعر تمثیل‌وار جاری شدن خون از رگ دست به گریه کردن برای تسکین سوز درون تشبیه می‌کند.  
۲۷. شاعران دوره «شاعران سبک هندی» به تدریج به ابتذال کشیده شده بودند. پس شاعران دوره بازگشت، به سبک هندی پشت پا زده و به پیروی از سبک شعرای قدیم (قرن پنجم به بعد) از قبیل فرخی سیستانی، منوچهری دامغانی، انوری ابیوردی، خاقانی و سعدی پرداختند که در زمینه‌سازی نظم و نثر ساده دوره بعد مؤثر بود. البته این سبک تقلید محض از دوره قبل نبوده و اشعار شاعران این دوره، در بحری یکنواخت سروده شده و وزن‌های روان و آرام آن، باب میل عامه مردم بوده است.  
۲۸. نسخه خطی «مثنوی صدریه» از نسخ عرفانی است که در قالب مثنوی در ۳ بحر: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مسدس محذوف یا وزن مثنوی - رمل، سریع و هزج)، مفتعلن مفتعلن فاعل (سریع مطوی مکشوف)، مفاعیلن مفاعیلن فاعلن (هزج مسدس محذوف)، توسط علی‌اکبر همدانی نجفی، به کتابت عبدالجواد اصفهانی در تاریخ ۱۳۱۲ (ه. ق) در همدان تألیف شده است. این اثر، حاوی اطلاعات ارزشمندی در موضوعات مختلف همچون فقه، حدیث، تفسیر، فلسفه، کلام، نجوم، طب، ریاضی، ادبیات و تاریخ است.

می‌توان حجت آورد و قرائن بسیار نیز از خارج، آن را تأیید می‌کند. بنابراین نهضت ترجمه که از اواخر عصر ساسانی و دوران عباسی آغاز شده و تا دوران مأمون به اوج خود رسید، یکی از دوره‌های مهم تاریخ پزشکی است. اشتیاق فراوانی بین مترجمان که بیشتر آن‌ها طبیبان دربار بودند، برای ترجمه آثار طبی یونانی وجود داشت و حمایت خلفا از این حرکت علمی و نیز دقت مترجمان برای ترجمه این آثار، ازجمله عواملی بودند که این دوران را به دوره‌ای طلایی در شکوفایی علمی به‌خصوص طبابت تبدیل کرد.

### زکریای رازی و ابن سینا

درواقع می‌توان خط سیر طب ایرانی و بنیاد مراکز درمانی را چنین ترسیم کرد که طب دوره هخامنشی که از سویی میراث طبی بین‌النهرین، هند و فلات ایران را دربر داشت در حکومت جانشینان اسکندر و دوره ساسانی با طب یونانی درآمیخت و در مرکز علمی جندی‌شاپور شکوفا شد و با افول ستاره اقبال جندی‌شاپور (البته به مدت کوتاه) سفر کوتاهی به بغداد کرد و مکتب بغداد از این میراث غنی مشحون و شکوفا شد. سپس دوباره راه وطن را در پیش گرفت و این‌بار پربارتر و پرتوان‌تر مکتب متعددی را در ایران دایر کرد که هرکدام با بغداد افسانه‌ای رقابت می‌کردند؛ بخارا، نیشابور، خوارزم، ری، اصفهان، شیراز، جرجان، مرو و غزنه از جمله این مکتب بودند که به داشتن حوزه‌های رسمی و کتابخانه‌های غنی و بیمارستان و اساتید و دانشجویان و شیفتگان علوم افتخار می‌کردند. عصر طلایی تمدن اسلامی، دوره‌ای از شکوفایی فرهنگی، اقتصادی و علمی در تاریخ اسلام است که از قرن دوم تا هشتم هجری قمری به ثبت رسیده است. یکی از مشهورترین پزشکان دوران تمدن اسلامی، محمدبن زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ ق)، نویسنده کتاب المنصوری فی الطب و دیگری ابوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق) بوده که شاهکار او کتاب القانون فی الطب است.

### ظهور و بازتاب طب و مضامین طبی در شعر فارسی

همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، یکی از اصلی‌ترین درون‌مایه‌های شعری برخی از شاعران کهن، اطلاعات و معادن علمی گوناگون است که به گونه‌های مختلف در شعر آن‌ها جلوه‌نمایی کرده است. از علل اصلی این پدیده در دوره‌های اولیه شعر فارسی، به‌ویژه از قرن پنجم به بعد، گسترش علوم عقلی و شاخه‌های مختلف معارف بشری، توسعه مراکز و محافل علمی و نیز ظهور دانشمندان بزرگی همچون ابن‌سینا، فارابی، ابوریحان بیرونی، زکریای رازی و نظایر آنان است که با خلق آثار ارزشمند خود در توسعه فرهنگ ایرانی سهم داشته‌اند. با ظهور و تکامل تدریجی علوم، بسیاری از معادن علوم عقلی و یافته‌های علمی ازجمله طب در شعر فارسی مجال انتقال یافته و شاعران مطابق با رسم و بیشتر به‌منظور عرض هنر و اظهار معلومات و استادی در شعر و شاعری در صدد آن برآمده‌اند که با تعبیرات جدید و بی‌سابقه شعر

وی در چند بیت یک مبحث را مطرح کرده و سروسامان می‌دهد و پس از آن در چند بیت دیگر، مبحثی نوین را مطرح می‌کند. مثنوی عرفانی اخلاقی صدریه با این ابیات شروع می‌شود:

کوش کن ز اسرار علم بلقلم

تا چه می‌گوید ز علم ما علم

ای ملله‌ها گوشه‌اتان واکنید

گوش جان بر سوی این آوا کنید

و با این ابیات انجام می‌گیرد:

نظم آن در یکصد و پنجاه روز

کرد از طبع دبیرالدین بروز

دیگر اندر سخن نبود مجال

لب فرو بستم در اینجا از مقال

گاهی اشعار بعضی شاعران در خصوص «درد، درمان و طب روحانی» بیشترین انعکاس را دارد، مانند غزلیات شیخ شیراز. گاهی نیز «درد، درمان و طب جسمانی» یعنی بهداشت در اشعار سعدی پدیدارتر است. صدریه نیز مانند بعضی از شاعران گذشته برای پرورش معانی تربیتی و اخلاقی خود، از آموزه‌های دانش طب و علم تشریح که مقدمه طب است، بهره بیشتری برده است.

نفس خود بنگر ببین خود چیستی

از کجایی و ز چه هستی کیستی

ظاهر خود بنگر و اعضای خود

هیکل نفسانی و کالای خود

بنگر اندر چشم و گوش و مردمک

فکر کن در صنع آن‌ها یک بیک

نظامی ۸۰۰ سال پیش عمل جراحی و پیوند چشم را یک موضوع ممکن و عملی می‌شمرد و در منظومه خود «هفت‌پیکر» نمونه‌ای بسیار جالب و زیبا از این عمل حیرت‌انگیز پزشکی را به دست می‌دهد و می‌گوید: یک شرب آب نوشیدنی ساده به قیمت یک چشم، عطش فرومی‌نشاند و در این ارزیابی است که یادگار گرانبهایی از اسطوره یک عمل جراحی بزرگ و شگفت‌انگیز به جای گذاشته و می‌گوید: دو جوان مسافر به نام خیر و شر از شهر خود پیاده به راه افتادند هر یک توشه‌ای به همراه داشتند، در راه خیر توشه خود را می‌خورد، شر نکه می‌داشت. می‌دانست که راه بیابانی سوزان و خشک و بی‌آب در پیش دارد و این راز با خیر در میان نمی‌گذاشت. بعد از دو سه روز راهپیمایی سرانجام دو مسافر جوان به بیابان سوزان می‌رسند، خیر می‌بیند که شر گاهگاهی

پنهانی از مشک خود آب می‌نوشد و او را نمی‌دهد، خیر چند روزی در تشنگی تاب می‌آورد و سرانجام اختیار از دست می‌دهد. دو گوهر قیمتی در کیسه داشته، هر دو را بیرون می‌کشد و پیش شر می‌نهد تا شاید جرعه‌ای آب بدهد. شر می‌گوید: می‌ترسم آب بدهم و بیایی در شهر از من آنچه دادی بگیری و آبرویم را ببری. اگر آب می‌خواهی به قیمت دو گوهر بینایی می‌خرم، خیر می‌گوید از خدا شرم بکن شر، این چشم کردن چه معنی دارد؟ شر هیچ بهانه و لایه‌ای را نمی‌پذیرد و چون خیر مرگ را پیش چشم عیان می‌بیند به کردن دو چشم تن درمی‌دهد و شر با بی‌رحمی تمام هر دو چشم خیر را از حدقه بیرون می‌آورد و بی‌آنکه آبی بدهد جامه و هر آنچه با خیر بوده همه را برمی‌دارد و می‌برد.

در چراغ دو چشم او زد

نآمدش کشتن چراغ دریغ

جامه و رخت و گوهرش برداشت

مرد بی دیده را تهی بگذشت

هنرمند امکان عمل جراحی چشم با دقت و ظرافت برای پیوند یک چشم را حتی از نظر زمانی مورد بحث قرار می‌دهد و می‌گوید در چه حالتی از حالات ممکن است باز کره چشم در جای خود قرار بگیرد و بینایی خود را بازیابد. شاعر ناگزیر اصطلاحاتی از آناتومی مربوط به چشم را در ابیات زیبای خود با ظرافت خاصی می‌نشاند و می‌گوید:

دیده‌ای را که کنده بود ز جای

درهم افکند و برو نام خدای

گر خراشیده شد سپیدی توز

مقله در پيله مانده بود هنوز

یکی از بزرگان کُرد گله‌ای بزرگ داشت و بیابان‌گردی پیش گرفته بود و دشت به دشت از برای علف می‌گشت و از قضا در آن ۲ روز آنجا خیمه زده بود و دختری داشت و این دختر از چشمه آبی خنک و سرد می‌برد که ناله‌ای از دور دست می‌شنود. دختر او را پیدا کرده، آب می‌دهد و گرماگرم دیده از جای کنده‌شده را با یاد نام خدا در هم می‌افکند، و چشم او را می‌بندد. ظاهراً چشم از جایگاه خود بیرون نیامده و قطع کامل نشده است.

دیده‌ای را که کنده بود ز جای

درهم افکند و برد نام خدای

۲۹. در این داستان رمزآمیز، هنرمند می‌گوید عطش نفس و آرزوها بینایی معنوی و درونی را از ما می‌گیرد و ما همه آبرو و حاصل زندگی خود را با همین نابینایی از دست می‌دهیم. همچنین می‌گوید می‌توان بینایی درون را بازیافت که از عالم زیبای غیب یاری می‌کنند. همچنان‌که در عالم ماده نیز این چنین چیزی ممکن است.

گر خراشیده شد سپیدی توز  
مقله در پيله مانده بود هنوز  
پیه در چشم او نهاد و بست  
وز سر مردمی گرفتش دست  
دختر خیر را توسط چاکران به خیمه کرد می آورد و خود زودتر  
می رود.

چاکری کو به خانه راه آورد  
خسته را سوی خوابگاه آورد  
جامی کردند و خوان نهادندش  
شوریا و کباب دادندش  
مرد گرمی رسیده با دم سرد  
خورد لختی و سر نهاد به درد

شبانگاه کرد از صحرا می آید و آن خسته را بی هوش و افتاده  
می بیند و دستور می دهد از شاخ آن درخت بلند چند برگی آورده  
بکوبند و آب آن را گرفته در زخم خیر بسایند و درد او را کم کنند.  
البته در این حادثه، خمیر دارویی از یک درخت کهنسال دو شاخه  
نقش اساسی را بازی می کند که ظاهراً هر شاخه ای از آن سمبول  
یا نموداری برای دو علم طب و فقه یا عالم فیزیک و متافیزیک  
انتخاب شده است.

گفت کز شاخ آن درخت بلند  
باز بایست کرد برگی چند  
کوفتن برگ و آب ازو ستدن  
سودن آنجا و تاب ازوستدن  
کرد چون دید لبه کردن سخت  
راه برداشت و رفت سوی درخت  
باز کرد از درخت مشتی برگ  
نوشداروی خستگان از مرگ  
آمد آورد نازنین برداشت  
کوفت چندان که مغز باز گذاشت  
کرد صافی چنان که درد نماند  
در نظر گاه درمند فشاند  
دارو و دین را به در بست  
خسته از درد ساعتی بنشست

دیده بر بخت کار ساز نهاد  
سر به بالین تخت باز نهاد  
بود تا پنج روز بسته سرش  
وان طلاها نهاده بر نظرش  
روز پنجم خلاص دارندش  
دارو از دیده برگشاندش

در ادامه این داستان است که خیر دختر کرد را به زنی می گیرد.  
در سفری که پیش می آید از برگ های هر دو شاخ<sup>۳۰</sup> آن درخت  
کهنسال می چیند و از برگ های شاخه دیگر استفاده کرده دختر  
پادشاه را از بیماری صرع نجات می دهد [۱۷].

حکمت ابرو و بینی را نگر  
در مژه از روی دقت کن نظر  
هم تو دندان را نگر چون سخت شد  
آن یکی ذوناب و و دیگر تخت شد  
بین چسان روییده گردد چون شجر  
لیک از روییدنش تو بی خبر

صدرالدین در خصوص آفرینش ابرو، بینی، مژه و اهمیت  
عملکرد آن ها می گوید:

حکمت ابرو و بینی را نگر  
در مژه از روی دقت کن نظر  
هم تو دندان را نگر چون سخت شد  
آن یکی ذوناب و و دیگر تخت شد  
بین چسان روییده گردد چون شجر  
لیک از روییدنش تو بی خبر

وجود ابرو برای جلوگیری از ورود آب و عرق به چشم و تار شدن  
بینایی انسان و کارایی ابرو به همراه مژه جهت جلوگیری از ورود  
نور مستقیم خورشید به چشم است اهمیت دندان ها نیز نقشی  
است که آن ها در سلامت هر شخص ایفا می کنند. قدیمی ترین  
مسواک نیز در مصر یافت شده که مربوط به ۳۰۰۰ سال قبل از

۳۰. این درخت دو شاخه همچنانکه اشاره شده به دلالت حدیث «العلم علمان» در  
منظومه لیلی و مجنون احتمال دارد رمزی برای علم فقه و طب باشد و یا مقصود از  
آن دو شاخ کهن و اصیل آگاهی های انسان یعنی علم و معرفت (داناتی و شناخت)  
بوده باشد و اما آنچه در علم ماده از درخت صندل استنباط می شود، این درخت از  
گیاهان دو لپه ای است که امروزه اسانس آن مصرف درمانی و عطرسازی دارد. (رک:  
فرهنگ فارسی معین، ج ۲/ص ۲۱۶۵ ذیل صندل).



مجله دانش‌های علوم پزشکی کیلان

تصویر ۴. تصویر مسواک

تولد مسیح است <sup>۳۱</sup> (تصویر شماره ۴).

کن تعمق لحظه اندر دماغ  
قوه کور است در أم الدماغ

دماغ به معنی مغز سر و ام الدماغ کنایه از جایی که مغز داخل آن است. ماخلولیا و دیوانگی در نگاشته‌های پزشکی پیشین در شمار بیماری‌های دماغی به حساب آمده‌اند: دماغ آدمی دارای قوایی چون قوه تخیل و تفکر و غیره است. در صورتی که در این قوا، فساد رخ دهد، بیماری‌های دماغی ظاهر می‌شوند. جرجانی می‌گوید: فساد قوت تخیل و تفکر سه نوع است: یا باطل شود یا ناقص یا مشوش. «باطل شدن را زوال عقل، نقصان را ابله‌ی و تشویش را شوریدگی گویند و اگر شوریدگی بیرون از اندازه باشد و با حرکت‌های بد همراه باشد، دیوانگی و اگر آهسته‌تر باشد و اندیشه باطل کند ماخلولیا گویند» [۱۸]. سعدی قائل به ارتباط بین ماخلولیا و آسیب دماغی است. وی ماخلولیا را نه معلول که علت سوختگی و خشکی دماغ می‌داند:

به دود آتش ماخلولیا دماغ بسوخت هنوز

چهل مصور که کیمیایی هست سعدی [۱۹]

آنچه از بیت بالا مستفاد می‌شود با آموزه‌های طبی قدما بیگانه نیست؛ چه طبق باور اطبای پیشین، مزاج دماغ، تر است و اگر تری دماغ به سببی به خشکی گراید، فرد به اختلالات دماغی مبتلا می‌شود؛ چه «دارندگان اختلال دماغی را خشک مغز می‌گویند» [۲۰].

وآن دو مجرائی که او دارد به حلق

و آن عصب‌ها کاندرا او گردیده خلق

هم نظر کن حنجر و اطلاق او

بین همی اصلاق او اغلاق او

بین چه اصواتی ازو آید برون

بین چه ادواتی ورا اندر دزون

ابیات مذکور اشاره به حنجره و صوتی که از آن برمی‌خیزد دارد، یعنی شکل ظاهری، قطر، اندازه و کاربرد حنجره و مکانیسم تولید صدا.

گوش را بنگر کجا شد برقرار

اندکی از حکمت وی کن شمار

پرده‌ها در باطنش برده به کار

کرده است از خرق او را استوار

ابیات فوق در باب بیان فیزیولوژی گوش است و اشاره دارد به حفره گوش و پرده‌ها و چگونگی عملکرد آن‌ها که شنیدن را میسر می‌کند.

هم چه حکمت‌ها که در جوف سر است

خود چه حالاتی که در وی مضمّر است

هم تدبر کن قوای خمس را

ذوق و شم و سمع و عین و لمس را

ابیات مذکور در باب بیان قوای پنجگانه چشم (دیدن)، گوش (شنیدن)، بینی (بویدن)، پوست (لمس کردن) و زبان (چشیدن) است. قطره چشمی، در لشکرکشی کیکاووس به مازندران و جنگ او با دیو سپید و کور شدن چشم سربازان ایرانی (احتمالاً به وسیله گاز اشک‌آور سیر، که موبد پزشکان با چکاندن خون جگر دیو سپید در چشم سربازان، آن‌ها را درمان می‌کند) تداعی‌کننده وجود ویتامین آ در جگر و تأثیر مثبت آن در بینایی است:

۳۱. همچنین در حاشیه ی مثنوی صدریه، شرحی از دیدار امام جعفر صادق (ع) و پزشک هندی در محضر منصور دوانقی آمده: ...چرا دندانهای جلویی، تیز و دندانهای آسیاب، پهن و دندانهای انیاب (نیش)، دراز آفریده شده است؟ دندانهای جلو را تیزتر آفریده تا غذا را قطعه قطعه سازند. دندانهای آسیاب را پهن خلق کرده تا غذا به وسیله آن‌ها کوبیده و نرم گردند. دندانهای انیاب را درازتر آفریده تا میان دندانهای آسیاب و دندانهای پیشین، چون ستونی استوار باشند. در خصوص دندانها هم کاملاً به وظایف دندانها در نوع عملکرد اشاره دارد.

چنین گفت فرزانه مردی پزشک

که چون خون اورابه سان سرشت

چکانی سه قطره به چشم اندرون

شودتیرگی پاک با خون برون

کن تخیل وهم را با خیال

هم بحس مشترک در اشتمال (فراگرفتن)

از تخیل حفظ را محفوظ کن

قدرت حق در همه ملحوظ کن

(فردوسی)

در ابیات فوق، تفاوت وهم و خیال آمده است. کار قوه خیال تصویر دادن معانی و حقایق مدرکه است؛ مثلاً نفس مطالبی را از عالم مجردات می‌گیرد و آن حقیقت را به روح می‌دهد و روح آن را به قلب داده و قلب آن حقایق را به خیال می‌سپارد و خیال نیز آن را به صوری مبدل می‌کند؛ مثلاً «دشمنی» را به مار صورت می‌دهد و «رزق» را به شکل آب یا شیر صورت می‌دهد [۲۱].

نظم زچه به مرتبت بلند است

آن علم طلب که سودمند است

در جدول این خط قیاسی

می‌کوش به خویشتن شناسی

تشریح نهاد خود درآموز

کین معرفتی ست خاطر افروز

پیغمبر گفت علم علما

علم الابدان و علم الادیان

درناف دو علم بوی طیب است

و آن هر دو فقیه یا طبیب است

می‌باش طبیب عیسوی عیش

اما نه طبیب آدمی کش

گر هر دو شوی بلندگردی

پیش همه ارجمند گردی [۲۲]

ای فرزندا! شعر پایگاهی بس بلند دارد، لیکن تو در پی دانشی گام بردار که سودمندی دارد و در این استدلال نیز به تشریح تن و روان خود و شناخت خویشتن بکوش تا به معرفت نفس برسی:

باطن خود بنگر از افکار و هُش

در سَپَرزو مَعده و کیلوس و شُش

صدریه با تسلط کامل به کالبدشناسی یا آناتومی بدن انسان به کارکرد اعضا اشاره دارد، مانند علم تشریح در ابیات سعدی (آب و جگر):

بنمانده است آب در جگرم

بس که چشمم کند گهریاری

وه که چون تشنه دیدار عزیزان می‌بود

گوییا آب حیاتش به جگر باز آمد [۱۹]

پیوند بین آب و جگر براساس فیزیولوژی (وظایف اعضا) حکماست. پزشکان قدیم معتقد بودند غذا ۴ بار در بدن هضم می‌شود که هضم آغازی و دومین آن در معده و جگر است، خوراک در معده از هضم اول می‌گذرد و در این مرحله خوراکی‌ترین قسمت‌های آن مبدل به کیلوس یا کیلوس می‌شود، کیلوس به وسیله ی سیاهرگ یا ورید به جگر برده می‌شود و در جگر هضم ثانی صورت می‌بندد و مواد به ۳ قسمت تقسیم می‌شوند و بهترین و برگزیده‌ترین این مواد به خون وارد می‌شود [۴]. سپس جگر، آب را از خون تفکیک و به اندام‌های خاص می‌فرستد و آب که خورده شود، قوام خون را رقیق کند و اندر رگ‌ها باریک بگذراند و به جانب محذب جگر برآرد. آنجا بیشترین آب از خون جدا می‌شود [۱۸]. به همین سبب بیماری استسقا (آب‌خواهی) در شمار بیماری‌های جگر است که «سبب قوی‌تر و عام‌تر اندر انواع استسقا، جگر است» [۱۸].

هم نظر کن تو به اعصاب و عروق

اتصالاتی که دارند و فروق

در این بیت صدری اشاره به اعصاب و عروق دارد، همچو سعدی که در بیتی تعداد رگ‌های بدن آدمی را ۳۶۰ داشته است:

رگت برتن است ای پسندیده خوی

زمینی در او سیصدو شصت جوی [۱۹]

کن نظر لیفیه را و کُلَیتین (کلیه‌ها)

انتشار آن قوتی درآلَیتن<sup>۳۲</sup>

در اینجا شاعر به کلیه‌ها اشاره دارد. از مسائل دیگری که در دایره دانش پزشکی می‌گنجد و در داستان‌های شاهنامه طرح شده است، آزمون ادرار است. ادرار را در گذشته به مجاز، «آب»، «دلیل» و «قاروره» می‌خواندند و ادرارشناسی را «علم تفسره» یا «علم آب» می‌نامیدند؛ بوی ادرار، رنگ و رسوبات آن، از جمله علامات راهنمای طبیب بوده است؛ نظامی عروضی در مقاله

۳۲. معنی التین در اینجا همان آلت‌های انسان هستند.

چهارم از کتاب خویش می‌نویسد: «تفسره را نیز همچنان الوان و رسوب او نگاه داشتن و از هر لونی بر حالتی دلیل گرفتن، نه کاری خُرد است.» در اهمیت ادرار در تشخیص و تداوی بیماری‌ها، ابن سخن پس که بوعلی سینا در رساله «رگ‌شناسی»، ادرارشناسی یا علم تفسره را علم «حال خلط‌ها» خوانده است.

دور کن سودا نگر سودای خویش  
وین غذا بنگر که می‌سازد جریش  
بین چه اسراری تو اندر بلغم است  
هم چه حکمت‌ها بصفرا مُدغم است

در اینجا جریش یا بلغم غذای خردشده است. در اصطلاح طبیعیات قدیم به صفرا، دم، بلغم و سودا «اخلاط اربعه» گفته می‌شود. حیوانات و انسان‌ها از طبیعت تغذیه کرده و پس از حضم و جذب مواد خورده‌شده آن‌ها را به این اخلاط اربعه تبدیل می‌کنند که با آن‌ها توان حرکت و رشد اندام‌ها و یا بازسازی اعضای آسیب‌دیده ممکن می‌شود [۲۳]. بدن انسان از ترکیب عناصر اربعه (آب، هوا، خاک، آتش) ساخته می‌شود، ولی با اخلاط اربعه اداره (رشد و نمو) می‌شود و به تناسب فقدان یا وجدان هر کدام از این مواد، مزاج معتدل خواهد بود [۲۳].

هم تدبر کن تو در حالاتِ دَم  
کیست بر دَم دَم دَمَد او دَمِ دَم  
کیست ماساریق را دادِ اغْتذا  
طبخ کی در معده می‌سازد غذا  
کی مرتب کرد این آلات را  
کی منظم کرده این آدوات را  
کی غذا را بی حَطَب کیلوس کرد  
در کبد کیلوس کی کیْموس کرد

سعدی در بوستان می‌نویسد:

اگر باد سرد نفس نگذرد  
تف معده جان در خروش آورد  
وگر دیگ معده نجوشد طعام [۱۹]  
تن نازنین را شود کار خام

در قصیده شماره ۹ شاه نعمت‌الله ولی آمده:

چون ز حکمت نه فلک جنبان شد از امر اله  
این طبایع زان سبب افتاده و برپا بود

آتشست و باد و آب و خاکای یار عزیز  
فعلشان صفرا و خون و بلغم و سودا بود  
طبع آتش گرم و خشک و باد گرم‌تر  
همچو صفرا داند و خون، هر که او دانا بود  
کدخدای ملک هفتم جانب چپ دان سپرز  
که نشسته گاه خفته گه گهی برپا بود<sup>۳۳</sup>

مفهوم مزاج یکی از مفاهیم کلیدی در پزشکی و طبیعیات قدیم است. سقراط همه خوراکی‌ها را در ۴ دسته گرم، سرد، خشک و تر دسته‌بندی کرد و معتقد بود سلامتی حاصل حفظ تعادل در این ۴ دسته است و ابن سینا در کتاب قانون خود نه مزاج را برای آدمیان در نظر گرفت که عبارت‌اند از: سرد، گرم، تر، خشک (مزاج‌های مفرد)، سرد و تر، سرد و خشک، گرم و تر، گرم و خشک (مزاج‌های مرکب) و مزاج معتدل [۲۳].<sup>۳۴</sup>

۳۳

چون ز حکمت نه فلک جنبان شد از امر اله  
این طبایع زان سبب افتاده و برپا بود  
آتشست و باد و آب و خاکای یار عزیز  
فعلشان صفرا و خون و بلغم و سودا بود  
طبع آتش گرم و خشک و باد گرم‌تر  
همچو صفرا داند و خون، هر که او دانا بود  
آب سرد و تر بُود مانند بلغم بی خلاف  
خاک سرد و خشک و سودا همچو او اینجا بود  
چارده چیز است جسم و جان ژاک آدمی  
هشت از سفلی است و شش از عالم بلا بود  
گوشت و خون و موی و پیه از مادر آمد وجود  
استخوان و پوست و پی بارک هم از بابا بود  
پنج حس و روح هر شش از جهات امر اوست  
امر او از قدرتش بالای هر بالا بود  
هفت اعضای ریسه چون ریسان دهند  
صحت این هفت تن در جنت الماوی بود  
اول ایشان شش است و ژس دماغ آنگاه دل  
پس جگر باشد که او قسمت گر اعضا بود  
گردها میدان و آنگه دو ستون ملک تن  
گرده همچون مشتری و زهره ات طغرا بود  
کدخدای ملک هفتم جانب چپ دان سپرز

که نشسته گاه خفته گه گهی برپا بود  
۳۴. بعد از او جالینوس و ابن سینا متون گذشتگان را نظامی بخشیدند و ابن سینا در کتاب قانون خود نه مزاج را برای آدمیان در نظر گرفت که عبارت‌اند از: سرد، گرم، تر، خشک (مزاج‌های مفرد)، سرد و تر، سرد و خشک، گرم و تر، گرم و خشک (مزاج‌های مرکب) و مزاج معتدل (ابن سینا، ۱۹۹۳/ ۱:۲۲-۲۳). در عمده آثار قدما، نگهداری و

### حامی مالی

این تحقیق هیچ گونه کمک مالی از سازمان های تأمین مالی در بخش های عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نکرد.

### مشارکت نویسندگان

تهیه پیش نویس دست نوشته: زهرا رضازاده، ابوالفضل مرادی و نصرالله زیرک؛ دست نوشته برای محتوای فکری مهم: ابوالفضل مرادی، نصرالله زیرک، علی اکبر افراسیاب پور، زهرا رضازاده؛ مفهوم سازی، طراحی مطالعه و تحلیل و تفسیر داده ها: همه نویسندگان.

### تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

در وجودت بین چه حکمت هاستی

کز توهم مستور و ناپیداستی

پس تصور کن که این وضع اساس

حکمتش چه علتش کن افتراس<sup>۳۵</sup>

منتبه شو علت و معلول را

فهم بنما قابل و مقبول را

تا بدانی سر کاف و سر نون

ما خَلَقْتُ الْخَلْقَ إِلَّا يَعْبُدُون

### نتیجه گیری

در خلقت و پرستیدن وضعیتی است که دربرگیرنده تمامی هم و غم های انسان می شود. پس وقتی که انسان چیزی را می پرستد، کاملاً تسلیم و خاضع در برابر اوست و جلب رضایت او را بر همه چیز ترجیح می دهد. هدفی که برای آفرینش ما مطرح شده، تنها و تنها «فلسفه زندگی» ای است که زندگی ما را به مطلوب حقیقی خود می رساند. پس بنابر آیه «ما خلقت الجن والانس الا یعبدون» یعنی تا شناختن رخ ندهد پرستیدن بی معنی است. غالباً فراموش می کنیم که برای چه آفریده شدیم. متون فرهنگ ایران اسلامی و اشعار و داستان های شعرای ژرف اندیش پارسی، ثروت عظیم و سرشار علمی و فرهنگی است که به ما به ارث رسیده و می تواند پشتوانه بزرگی برای ترقی و پیشرفت علمی ما باشد. پژوهش در این گنجینه ها، ما را در برابر از خود بیگانگی تاریخی و فرهنگی که ارمغان استعمار غرب است، مصون داشته و می تواند بار دیگر انگیزه های باشد برای پایه ریزی بنیاد تمدنی که ایرانیان هزار سال پیش از این داشته اند و آوای آن هنوز از ورای تاریخ، در تمامی علوم، طنین انداز است. آنچه در این مقاله گذشت، قطره ای است از دریای بیکران طب ایرانی اسلامی که در اشعار بزرگان شعر و ادب پارسی، انعکاس یافته است.

### ملاحظات اخلاقی

#### پیروی از اصول اخلاق پژوهش

این مطالعه توسط کمیته اخلاق (سامانه ملی اخلاق در پژوهش های زیست پزشکی) تصویب شد (کد اخلاق IR.IAU.RASHT.REC.1402.004).

حفظ اعتدال مزاج به معنای داشتن سلامتی است. در این نظام فکری، درمان هم به معنای تلاش برای بازگرداندن تعادل از دست رفته است. هرچند که مفهوم مزاج مفهومی کهن و هماهنگ با مبانی طبی و طبیعیاتی قدیم است، می توان آن را بر پایه اصول مورد تأیید علوم تجربی امروزی باز تعبیر کرد.  
۳۵. شکافتن (دهخدا)، با نشانه چیزی را دریافتن (معین).

## References

- [1] Mardani M, Montazer R. [Iranian Islamic medicine in the mirror of history (Persian)]. Tehran: Nasl-e- Nikan; 2012. [\[Link\]](#)
- [2] Dostkhah J. [Avesta, the oldest Iranian poems (Persian)]. Tehran: Marvarid; 2008. [\[Link\]](#)
- [3] Najmabadi M. [History of medicine in Iran (Persian)]. Tehran University Press, Tehran 1992. [\[Link\]](#)
- [4] Najmabadi M. [History of medicine in Iran after Islam(Persian)]. Tehran: Tehran University Press; 1987.
- [5] Nafisi S. [Zoroastrian Rites(Persian)]. 1985.
- [6] Nodehi K, Kasiri M. [The influence of Zoroastrian health teachings on ancient Iranian dietary medicine (Persian)]. Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. 2013; (4):381-8. [\[Link\]](#)
- [7] Saadat M. [Zarathustra and Avesta (Persian)]. Lessons from the School of Islam. 1983; 14(11):49 - 53. [\[Link\]](#)
- [8] Sarmadi MT. [History of World Medicine from the Beginning to the Present Age (Persian)]. Sarmadi Publishers; 2019. [\[Link\]](#)
- [9] Golshani SA, Foroozani SAG, Jahan Kohan P, Zohalinezhad ME. [The Arabic medicine from the Birth of Islam's prophet till the falling of Benny Umayyad Governments (Persian)]. Tārikh-i Pizishkī. 2016; 4(10):95–129. [\[Link\]](#)
- [10] Elgood CL. Medical History of Iran and Eastern Caliphate Lands [ B. Forghan, Persian trans. ]. Tehran: Amir Kabir Publications; 1992.
- [11] Golshani SA, Abbasi J, Imanpour MT, Foroozani SA. Reflection of Pre-Islam medical history of transoxiana and chorasnia in medical texts of Islamic-Iranian civilization. Medical History Research Journal. 2018; 7(2). [\[Link\]](#)
- [12] Nadim ME. Alfehrest [ Tadjd MR, Persian trans.]. Tehran: Ibn Sina Library Publications; 1967. [\[Link\]](#)
- [13] Tehami A. [Shor zandegi (Persian)]. Tehran: Negah Publications; 1996. [\[Link\]](#)
- [14] Hedayati H. [Herodotus (Persian)]. Tehran: Tehran University Press; 1961. [\[Link\]](#)
- [15] Yasmi R. [Christian Age, Iran during the Sasanian era(Persian)]. Tehran: Negah Publications; 2011. [\[Link\]](#)
- [16] Qazdav A. Persian Language and Literature. Research Quarterly (Arak Medical Sciences). 2005; 1 (Spring and Summer).
- [17] O'Leary DL. Transferring Greek sciences to the Islamic world. [A. Aram, Persian tras.]. Tehran: Nasher-e- Daneshgahi; 1995. [\[Link\]](#)
- [18] Imam Khomeini R. [Kitab al-Nour (Persian)].Tehran: Publishing institution Affiliated with the Ministry of Culture and Islamic Guidance; 1991. [\[Link\]](#)
- [19] Allameh Hassanzadeh Amoli. Irfan, Marafat Nafs (Persian)]. Tehran: Publisher Scientific and Cultural; 2020. [\[Link\]](#)
- [20] Jarjani I. [Zakhire Kharazmshahi (Persian)]. Tehran: Academy of Medical Sciences of the Islamic Republic of Iran; 2001. [\[Link\]](#)
- [21] Golshani S, Yar Mohamadi H, Daneshfard B. [The influence of the Jundishapur school on the Baghdad medical school (Persian)]. Journal of Research on History of Medicine. 2013; 2(2):49. [\[Link\]](#)
- [22] Sharafkandi AR. [Law of Medicine (Persian)]. Tehran: Sorosh; 2019.
- [23] Minawi M. [Kalileh and Demeneh (Persian)]. Tehran: Negah Publications;1964. [\[Link\]](#)

This Page Intentionally Left Blank